

## نگاهی به مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه

بهمن ماندگار

چهاردهم آبان ماه هشتاد و شش

### درباره ی مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه

شرکت طرح نیشکر هفت تپه که حدود ۴۸ سال پیش توسط شرکت های امریکایی ساخته شد اولین تولید کننده شکر از نیشکر، در ایران است و تاکنون ۴۵ دوره بهره برداری را پشت سر گذاشته. (۱) این کارخانه به دلیل تخریب شدید در جریان بمباران های ارتش عراق برای مدتی تعطیل بود، اما پس از این دوره مجددا تولید را از سر گرفت. طی نیم قرن کارگران نیشکر هفت تپه، نسل به نسل، در مقابل سرمایه داران و دولت سرکوبگر حامیشان قد علم کرده اند تا علیه شرایط سخت کار، عدم پرداخت حقوق معوقه و ... اعتراض کنند. (۲)

این شرکت که زیر مجموعه ی وزارت جهاد کشاورزی دارای ۵ هزار نفر کارگر است، (۳) از این میان حدود سه هزار نفر (۶۰ درصد کارگران شرکت) از طریق قراردادهای موقت مشغول به کار هستند. در بعضی موارد این کارگران موقت حدود ۱۵ سال سابقه ی کار دارند اما هنوز به استخدام رسمی شرکت در نیامده اند. کارگران این شرکت روزانه ۱۱ ساعت مشغول کارند حال آن که بیشتر کارهایی که توسط کارگران این شرکت انجام می شود جزء مشاغل سخت و زیان آور محسوب می شود (۴) و مطابق قانون ساعات کاری باید به ۶ ساعت در روز کاهش پیدا کند. کار کردن به میزان دو برابر استانداردهای توانایی فیزیکی انسان، در واقع سلاخی کارگران این شرکت است. از سوی دیگر مطابق قانون کارگرانی که مشغول انجام کارهای سخت و زیان آور هستند این شانس را دارند تا از مزایای ۲۰ سال به جای ۳۰ کار استفاده کنند که این طرح هم علی رغم ابلاغیه ی دولت در شرکت اجرا نمی شود. گرمای شدید هوا در منطقه ی خوزستان و آلودگی صوتی بالاتر از حد استاندارد، فشار جسمی و روحی شدیدی به کارگران وارد می کند. شرکت در قبال این فشار شدید ماهانه دو هزار تومان بابت سختی کار و ۲۵۰۰ تومان بابت شرایط بد آب و هوایی پرداخت می کند! یعنی فشاری که به کارگران وارد می شود با مقداری پول که به مراتب کمتر از هزینه ی خرید یک کیلو گوشت است جبران می شود؟! (۵)

طی سال های دهه ی ۷۰ بیشتر هزینه ی توسعه ی طرح های نیشکر در خوزستان از طریق ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران طرح نیشکر هفت تپه پرداخت می شد. (۵) این موضوع نشان از آن داشت که این شرکت برای سرمایه به اندازه ی کافی سودآور است. در سال های اخیر به دلیل خصوصی سازی و واردات بی رویه شکر وضعیت تغییر کرده است. طی سال های اخیر پایین آوردن تعرفه گمرکی شکر منجر به واردات بی رویه ی آن شده است. این واردات سود هنگفتی را نصیب باندهای مافیایی می کند. (چهره ی اصلی مافیای واردات شکر مصباح یزدی است) به نظر می رسد که علی رغم تمام بهره کشی هایی که از کارگران انجام می شود تولید شکر در داخل کشور برای سرمایه داران به اندازه ی کافی سودآور نیست، آن ها ترجیح می دهند که به جای تولید شکر در داخل

کشور به واردات و تجارت این کالا پردازند. دولت هم انواع و اقسام حمایت ها را انجام می دهد. به عنوان مثال تعرفه ی واردات شکر را از ۱۴۰٪ به ۴٪ کاهش می دهد و... علی رغم ادعای دولت این کاهش تعرفه نه تنها منجر به کاهش قیمت شکر در بازار نشده بلکه مردم باید پول بیشتری برای خرید شکر پرداخت کنند. جالب آن جاست که دولت به حمایت از سرمایه داران اکتفا نمی کند و خودش هم از طریق "شرکت بازرگانی دولتی" نسبت به وارد کردن شکر اقدام می نماید. گران شدن شکر و بیکاری کارگران نیشکر هفت تپه برای سرمایه داران و حکومت آن ها اهمیتی ندارد. مهم سودی است که در این میان نصیب آن ها می شود. نگاهی به جدول زیر نشان می دهد که از نظر نیاز بازار مصرف شکر در ایران هیچ نیازی به این حجم از واردات شکر وجود ندارد. (کار به جایی رسیده است که حتی سازمان بازرسی کل کشور چند ماه پیش نسبت به اشیاع بازار و خسارت جبران ناپذیر کارخانه های قند و شکر اظهار نگرانی کرده بود)

کل مصرف سالانه ی شکر	تن 1,800,000
کل تولید داخلی شکر	تن 1,200,000
کل نیاز به شکر وارداتی	تن 600,000
میزان سالانه ی شکر وارداتی	تن 2,500,000

درعین حال دولت به بهانه ی خصوصی سازی هیچ حمایتی از شرکتهای تولید کننده ی شکر نمی کند و آن ها را وا می دارد تا شکر زرد وارد شده را سفید کنند. این موضوع منجر به تعطیلی شرکت های تولید کننده شکر شده است که از آن میان می توان به شرکت قند دزفول اشاره کرد. سیاست خصوصی سازی به ورشکستگی شرکت قند دزفول و بیکار شدن کارگران اش منجر شد. کارگران طرح نیشکر هفت تپه معتقدند که سرنوشت مشابهی در انتظار آنان است. در شرکت نیشکر هفت تپه هم عدم پرداخت حقوق معوقه کارگران طی یکی دو سال اخیر از جمله نتایج اجرای سیاست خصوصی سازی بوده است. از اوایل سال ۸۵ تا کنون بارها حقوق ماهیانه ی کارگران به مدت ۳ الی ۴ ماه عقب افتاده است. (همچنین دو سال است که پول بن کارگران نیز داده نشده) بدین ترتیب زندگی بخور نمیر و تامین قبلی هزاران کارگر و خانواده هایشان به ورطه فقر و سیه روزی بیشتر کشیده شده است. از آن زمان تا کنون کارگران برای اعتراض به این وضعیت ۱۵ تحصن و ۱۶ اعتصاب را سازمان داده اند. (۶) طی هفت ماه اخیر کارگران ۱۰ بار اعتصاب کرده اند) با این حال حکومت اسلامی با بی توجهی به این اعتراضات مصمم است تا سیاست خصوصی سازی را تحت لوای اجرای اصل ۴۴ با سرعت هر چه بیشتر اجرا کند. در واقع این سیاست بخشی از سیاستهای تعدیل اقتصادی سیستم سرمایه داری جهانی است که بوسیله بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به حکومت اسلامی اعلام می شود. حکومت اسلامی برای تحکیم روابطش با سیستم سرمایه داری جهانی این سیاست ها را علیه کارگران و زحمتکشان به کار می بندد.

طی ۱۵ ماه اخیر شرکت سعی کرده است تا از طریق فروش ماشین آلات کشاورزی، واگذار کردن زمینهای نیشکر به بخش خصوصی (برای کشت غیر از نیشکر) و گرفتن وام کوتاه مدت به پرداخت قسمتی از حقوق معوقه اقدام کند (۷) با این حال واضح است که چنین راهکارهایی موقتی و در بلند مدت مضر خواهد بود بنابراین به هیچ وجه دور از انتظار نیست که ۲۰۰۰ نفر از کارگران این شرکت تعدیل شوند. (۸) کارگران موقتی که طی سال ها کار در

این کارخانه به دلیل موقتی بودن امکان ارتفاع شغلی را از دست داده اند اینک بدون کوچکترین نگرانی اخراج خواهند شد. همچنین در صورت ورشکستگی شرکت پنج هزار کارگر به طور مستقیم بیکار می شوند. کارگران چهار شرکت خوراک دام، کاغذ پارس، حریر پارس و طرح نیشکر میان آب (که جزئی از این مجموعه محسوب می شوند) متضرر می شوند و در نهایت کشاورزان چغندر کار منطقه نیز از صدمات این ورشکستگی در امان نخواهند ماند. در یک کلام ضربات جبران ناپذیری به مردم شهرک های اطراف (شوش- اندیمشک- دزفول- شاور و حرربامی) وارد خواهد شد.

از دیگر مشکلات کارگران نیشکر هفت تپه میتوان به مشکل مسکن اشاره کرد. این شرکت دارای حدود ۷۰۰ منزل شرکتی است اما تعداد زیادی از این منازل شرکت در اختیار نیروهای نظامی، امنیتی و کارکنان دادگستری است. این در حالی است که کارگران حدودنیمی از حقوق خود را جهت کرایه ی منزل میپردازند و یا در مناطق روستایی زندگی می کنند.

در شرایطی که کارگران نیشکر هفت تپه از آغاز سال ۸۶ دستمزد نگرفته بودند، در روزهای آغازین خردادماه امسال مجددا اعتصاب کردند این کارگران اعلام کردند تا دریافت مطالبات شان، به اعتصاب ادامه خواهند داد. آن ها همچنین مستحبی(یکی از اعضای هیئت مدیره) را از کارخانه بیرون کردند. کارگران معتقدند که هیئت مدیره ی کارخانه با مافیای واردات شکر همکاری می کند تا از طریق ورشکسته اعلام کردن کارخانه مقدمات واگذاری ارزان قیمت این کارخانه را فراهم کند.(هیئت مدیره ی این شرکت از چهرهای نظامی و امنیتی هستند) اعتصاب در آغاز محدود به بخش های تولیدی بود با این حال با گذشت ۵ روز از آغاز اعتصاب و بی توجهی به خواسته های کارگران ، آنان مانع از ادامه ی کار بخش های اداری، بهره وری و فروش شدند. کارگران نیشکر هفت تپه علی رغم وعده های فریبکارانه ی مدیر عامل برای در هم شکستن اعتصاب با مقاومتی مثال زدنی برای چندین روز به اعتصاب ادامه دادند. کارگران نه تنها عقب نشینی نکردند بلکه پس از چندین روز اعتصاب، در روز ۲۴ خرداد اقدام به بستن جاده ی فرعی بازار هفت تپه کرده و مانع عبور کامیون های کارخانجات حریر و کاغذ پارس شدند. در واکنش به این حرکت کارگران نیروهای نظامی و امنیتی وارد میدان شدن و مطابق معمول وظیفه ی ضرب و شتم و سرکوب کارگران را بر عهده گرفتند. با این حال این سرکوب نتوانست جلوی مقاومت کارگران را بگیرد. مساله ساده است کارگرانی که با هزینه های سرسام آور زندگی و نرخ بالای تورم دست و پنجه نرم می کنند چاره ای جز مبارزه ی متحدانه و متشکل نیافته اند. روز چهارشنبه ۲۱ شهریورماه ۵۰۰۰ کارگر کارخانه نیشکر هفت تپه، برای چندمین بار دست به اعتصاب زدند. کارگران تمامی بخش های این کارخانه در اعتراض به دریافت نکردن حقوق معوقه خود در اعتصاب شرکت کردند. آن ها پیش از اعتصاب طی چند مرحله نامه نگاری با سازمان جهانی کار (ILO) اعلام کرده بودند که در اعتراض به ۲ ماه حقوق معوقه اعتصاب خواهند کرد. اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه ادامه پیدا کرد تا این که به اعتصاب و تظاهرات ۷ مهر منتهی شد. در این تظاهرات ۳ هزار کارگر خشمگین نیشکر هفت تپه که دست از کار کشیده بودند با شعار "کارگران هفت تپه گرسنه هستند" به سمت فرمانداری شوش حرکت کرده و در آن جا متحصن شدند. کارگران اعلام کردند که تا زمان برآورد شدن خواسته هایشان به تحصن ادامه می دهند. علی رغم تهدیدهای نیروهای انتظامی و امنیتی اعتصاب کارگران ادامه یافت، در روز ۸ مهر کارگران جاده ی

اصلی اهواز - اندیمشک را مسدود کردند. در این بین فرماندار شوش (فردی به نام فرآورد) این بار به جای دادن وعده سر خرمن از حربه ی تهدید به استفاده از گارد ویژه استفاده کرد. همچنین ۴ تن از کارگران بازداشت شدند. در مقابل مسئولین کارخانه خبر از پرداخت حقوق معوقه حداکثر تا یک هفته بعد می دادند؛ اما این بازداشت ها ، تهدیدها و وعده های دروغین هم موثر واقع نشد و اعتصاب و راهپیمایی کارگران در روز ۹ مهر هم ادامه یافت، ضمن آن که مقاومت کارگران منجر به آزادی کارگران زندانی شد. در روز چهارم تجمع شماری از کارگران قند دزفول که به سبب اعلام ورشکستگی کارخانه بیکار شده اند به کارگران نیشکر هفت تپه پیوستند، بدین ترتیب در حالی که کارگران یک صدا شعار " هفت تپه، قند دزفول پیوندتان مبارک" سر می دادند اعتصاب و راهپیمایی ادامه یافت. تحسن کارگران در روز پنجم اعتراضات با اعتراض به بازداشت دو کارگر ادامه یافت. در این روز تلاش شد تا با گسترش شایعه ی پرداخت یک ماه از سه ماه حقوق معوقه میان کارگران اختلاف ایجاد شود که این تلاش ناکام ماند. کارگران نیشکر هفت تپه متحدانه اعلام کردند که: "تا دست یافتن به تمامی خواسته های خود دست از اعتصاب بر نخواهند برداشت." روز پنجم اعتراض کارگران با تعطیلی مذهبی روز ۲۱ رمضان بود، در این روز کارگران با ابتکار جالبی که به خرج دادند با پلاکاردها و شعارهای خودشان در این مراسم شرکت کردند. کارگران هفت تپه به خوبی می دانستند که باید از هر طریق ممکن صدای اعتراض خود را به مردم برسانند، ابتکار حضور در این مراسم (که احتمال کمتری برای سرکوب وجود داشت) نشان دهنده ی هوشمندی کارگران هفت تپه بود. در عین حال کارگران نیشکر هفت تپه در روز پنجم از اعتصاب خود با ارسال نامه به اتحادیه های کارگری سراسر جهان خواستار حمایت هم طبقه ای های خود شده بودند. اعتراضات در روز ششم ادامه پیدا کرد، علی رغم بازداشت فریدون نیکوفرد (از کارگران فعال نیشکر هفت تپه) کارگران به تجمع خود در برابر فرمانداری شهر شوش ادامه دادند، این تجمع آرام در ساعت ۱۰:۳۰ با یورش وحشیانه ی نیروهای سرکوب گر مواجه شد. نتیجه ی این حمله ی وحشیانه زخمی شدن ۱۰ کارگر و بازداشت رمضان علی پور (از کارگران فعال نیشکر هفت تپه) بود. سرکوب وحشیانه ی کارگران در روز پنج شنبه، نقاب از چهره ی نیروهای نظامی و انتظامی برداشت. یکی از کارگران نیشکر هفت تپه در مصاحبه با رادیو برابری می گوید: "ما تا امروز با نیروی انتظامی مشکلی نداشتیم ولی امروز دیگر نهایت بی شرمی و نهایت پستی را از نیروی انتظامی دیدیم. واقعا خیلی اینها رذل اند." اگر تا دیروز شک و شبهه ای وجود داشت که نیروی انتظامی حافظ امنیت مردم است امروز برای کارگران هفت تپه روشن شده است که آن ها وظیفه ای جز دفاع از منافع سرمایه داران و کارفرمایان ندارند. روزهای پنج شنبه و جمعه با بازداشت شماری از کارگران (فریدون نیکوفرد، مهرداد قصاب، رحیم وثاق، رحیم علیجانی، رمضان علی پور و پنج تن دیگر از کارگران اعتصابی) توأم بود. در واکنش به سرکوب وحشیانه ی روز پنج شنبه و نیز بازداشت تعدادی از کارگران، پاسخ کارگران قاطع و روشن بود: "روز شنبه ۱۴ مهر به اعتراضات خود در محوطه ی صنعتی شرکت ادامه خواهیم داد و در صورتیکه به خواسته های ما جواب مثبتی داده نشود در روزهای آینده با خانواده های خود در مقابل فرمانداری شوش دست به اعتراض و تحسن خواهیم زد" همزمان اولین عقب نشینی حکومت سرمایه آغاز شده بود، یک ماه از حقوق معوقه پرداخت و مابقی تا قبل از عید فطر پرداخت می شود. حکومت سرمایه تمام شگردهای رذیلانه خود را به کار برد تا مقاومت کارگران در هم شکسته شود، زمانی که کارگران در برابر سرکوب وحشیانه ی

نیروی انتظامی ایستادگی کردند، فرماندار شهر و ساعدی (نماینده ی مجلس از شوش) در مصاحبه هایی که با رادیو و تلویزیون داشتند اعلام کردند که خواسته های کارگران متحقق شده، امام جمعه ی شهر هم اعلام کرد که خواسته های آنها تا قبل از عید فطر برآورده خواهد شد. از طرف دیگر به کارگران اعلام شد، انجام خواسته هایشان منوط به پایان اعتصاب و برگشت کارگران به کار است. یک بار دیگر قرار بود با دادن وعده و وعیدهای پوشالی اعتصاب کارگران در هم شکسته بود. اما کارگران هفت تپه طی ماه ها مبارزه دریافته بودند که نباید به این وعده ها اعتنایی کرد. اعتراضات همچنان با اعتصاب، تحصن و تجمع ادامه پیدا کرد. با توافق جمعی کارگران قرار شد که کارگران بخش کشاورزی (که ۱۰۰۰ نفر هستند) سر کار بروند تا ادامه کاری کارخانه زیر سوال نرود، این اقدام هوشمندانه ی کارگرم جلوی بهانه جویی و کارشکنی آتی هیئت مدیره و حکومت را می گرفت. در واقع کارگران به درستی نشان دادند که آن ها هیچ مانعی در برابر تولید ایجاد نکرده اند و این سرمایه داران هستند که مانع ادامه کاری کارخانه هستند. این اتفاقی است که هر روزه در بسیاری از کارخانه هایی که ورشکسته اعلام می شوند رخ می دهد، در بیشتر موارد کارخانه در واقع ورشکسته نیست و سرمایه داران برای به چنگ آوردن سود بیشتر در مسیر تولید کارشکنی می کنند. سرانجام اعتصاب بیش از ۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه، بعد از یازده روز تحصن و پیگیری، جنگ و گریز خیابانی، در پنجشنبه شب ۱۹ مهر ۱۳۸۶ با تحقق خواست فوری پرداخت حقوق معوقه، به پایان برده شد. حکومت همچنین با برکناری شفیعی (مدیر عامل قبلی شرکت) قدم دیگری به عقب نشست.

کارگران هفت تپه البته به درستی می دانند که نمی توانند به وعده های حکومت سرمایه اعتماد کنند. بارها خلف وعده ی دولت در جریان اعتراضات قبلی جای هیچ شک و شبهه ای باقی نگذاشته است. یکی از این کارگران در مصاحبه با رادیو برابری درباره ی اعلام پایان اعتصاب می گوید: "ما به طور مشروط به تحصن خود پایان داده ایم تا مسئولان به وعده های خود عمل کنند، با تاکید بر این که ما فعلا آتش بس موقت داده ایم." بنابراین کارگران به خوبی دریافته اند که ضمن جمع بندی نقاط فوت و ضعف اعتراضات قبلی باید آمادگی برای ادامه ی اعتراضات حفظ شود. کارگران به خصوص می دانند که نمی توانند روی وعده های شفاهی کارفرمایان حساب باز کنند چنان که یکی از آن ها در مصاحبه با رادیو برابری می گوید: "البته قولهایی هم داده اند، ولی این قولها مثل قبلی ها، فقط همان پناه بر خدا و خدا کریمه و درست میشه و انشاءاله است. همین انشاءالله، انشاءالله ۲۸ سال است ما را بیچاره کرده..." (۹) کارگران باید سعی کنند کارفرما را به پذیرش وعده های صریح و زمان دار مجبور کنند، در این صورت کارگران آمادگی خود را حفظ می کنند تا در صورت عدم تحقق وعده ها به اعتراض مجدد دست بزنند. در این میان وجود کانون هایی برای نگارش حقوقی توافق نامه ها و نیز پیگیری حقوقی مطالبات کارگران مفید خواهد بود.

### **درس های یک اعتصاب**

اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه باید به مثابه حلقه ای از زنجیر مبارزات کارگران مورد بررسی قرار گیرد. زنجیری که طی سال های اخیر حلقه های دیگرش را اعتراضات کارگران خاتون آباد، شرکت واحد، نساجی کردستان، یخچال سازی لرستان، اعتراضات کارگران پتروشیمی علیه خصوصی سازی، اعتراضات معلمان و.... تشکیل می دهند. (۱۰) کارگران خاتون آباد راه را برای مبارزات کارگران شرکت واحد گشودند و آن ها نیز به نوبه ی خود برای کارگران هفت تپه. در شرایطی که تاکتیک اصلی رژیم فرسوده و نامیدکردن کارگران از امکان ادامه ی

مبارزه است، مبارزه ی قاطع و پیگیر کارگران هفت تپه یکی از عوامل موفقیت آنان بود. کارگران هفت تپه برای چندین روز به اعتصاب توام با تحصن و راهپیمایی ادامه دادند و در برابر وعده و وعیده ها و نیز سرکوب های وحشیانه از خواست خود عقب ننشستند. پیشروان کارگری نیشکر هفت تپه البته به صورت مصمم خواست های کارگران را دنبال کردند و به همین دلیل مورد اعتماد توده ی کارگران قرار گرفتند. اما باید کوشید سازماندهی اعتراضات را از حالت متکی به افراد خارج کرد. تشکیل مجمع عمومی حین روزهای متوالی اعتراضات یکی از روش های دخالت دادن کارگران در تصمیم گیری هاست. تشکل های کارگری مبارزات کارگران را از حالت متکی به فرد خارج می کنند و بهترین مکان برای انباشت تجارب مبارزاتی هستند.

کارگران هفت تپه به قدرت مبارزه ی متحدانه و اعتصاب خود واقف شدند. آن ها دیگر کارگران را هم از این نیروی عظیم آگاه ساختند. آن ها به درستی دریافته اند از آن جا که در مسیر مبارزه چیزی جز زنجیرهای اسارت شان برای از دست دادن ندارند تا به آخر می توانند به مبارزه ادامه دهند. یکی از کارگران در مصاحبه با رادیو برابری می گوید: "ما دیگر چیزی نداریم از دست بدهیم" اعتصاب و اعتراض آن ها نه فقط در افزایش روحیه ی مبارزاتی کارگران موثر افتاد بلکه فضای مبارزه را برای جنبش های اجتماعی دیگر (زنان، معلمان، دانشجویان و...) گشود، آن ها ارباب و تهدید دستگاه سرکوب را به ریشخند گرفتند و نشان دادند در بدترین شرایط هم می توان با مبارزه ی متحدانه دستاوردهایی به دست آورد. شیوه ی اعتصاب توام با تجمع تلفیق مناسبی از روش های مبارزاتی است. تجمع و تظاهرات، اعتصاب را به میان مردم می برد و مردم را در جریان خواست های کارگران قرار می دهد. از این طریق سرکوب کارگران دشوارتر می شود. همچنین تجمع توام با اعتصاب از طریق ایجاد حالت تعرضی برای اعتصاب به تقویت روحیه ی مبارزاتی کارگران کمک می کند. در این میان باید یادآوری کرد که تجمع عده ای از فعالین کارگری که با اعتصاب کارگران همراهی نشود به هیچ وجه موثر واقع نمی گردد.

طی ماه ها مبارزه ی متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه دریافته اند که نمی توانند به اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه اکتفا کنند، آن ها اینک خواسته های دیگری را به مطالبات شان اضافه کرده اند. از آن جمله می توان به حق برخورداری از تشکل مستقل کارگری، رسمی کردن کارگران موقت، جلوگیری از خصوصی سازی، افزایش دستمزد، ارتقاع شغلی کارگران، به حساب آوردن کار به عنوان مشاغل سخت و مسکن مناسب اشاره کرد. علاوه بر آن کارگران شرایط سخت کاری و اجرا نشدن برخی قوانین اعتراض کرده اند. (مثل طرح طبقه بندی مشاغل و ...) را مورد اعتراض قرار داده اند. کارگران هفت تپه در تلاش اند تا مقدمات ایجاد شورا یا سندیکا را فراهم کنند. آن ها در جریان مبارزه ی روزمره شان ضرورت تشکل یابی کارگران را درک کرده اند. کارگران هفت تپه به درستی متوجه شده اند که هر گاه کارگران با برنامه و متشکل به صحنه آمده اند سرمایه داران و دولت حامی شان را به عقب نشینی وادار کرده اند و در مقابل هر گاه کارگران منفردانه و بدون برنامه مبارزه کرده اند شکست خورده اند. کارگران نیشکر هفت تپه در بیانیه ی شش ماده ای که در تاریخ ۲۴ مهر ۸۶ صادر کردند خاطر نشان ساختند: "شورای اسلامی را مانع تشکل خود می دانیم. ما در انتخابات شورای اسلامی شرکت نمی کنیم و شورای اسلامی باید منحل شود." کارگران در جریان مبارزه ی روزمره شان درک کرده اند که تنها تشکل های مستقل کارگری هستند که می توانند به ابزار مبارزه ی کارگر تبدیل شوند. آن ها نه تنها پیگیر ایجاد سندیکا هستند بلکه از هم اکنون نسبت به

برگزاری مجمع عمومی اقدام کرده اند. در همان بیانیه ی شش ماده ای می خوانیم: "ما هر پنجشنبه ساعت ۱ تا ۲ عصر جمع می شویم و در مورد شرایط کار خودمان تصمیم می گیریم. و مجمع عمومی خودمان را تشکیل می دهیم. مجمع عمومی تشکل واقعی ما کارگران است. ما تشکیل سندیکا را حق خود می شماریم" اینک خواست تشکل مستقل کارگری از محافل روشنفکری یا کمیته های فعالین کارگری خارج شده است. تبدیل خواست تشکل مستقل به یکی از خواست های اساسی کارگران هفت تپه به واقع نقطه ی عطفی در جنبش کارگری ایران خواهد بود. (۱۱) کارگران هفت تپه نشان دادند که قراردادی بودن کارگران مانع اصلی در راه مبارزه ی متشکل کارگران نیست چرا که برای رسمی شدن کارگران قراردادی هم می توان و باید متشکل شد. اگر کارگران هفت تپه موفق شوند تشکل مستقل خویش را تشکیل دهند حکومت را به یک عقب نشینی جدی در پذیرش تشکل های مستقل کارگری وادار کرده اند. مبارزات کارگران در شرایط فعلی در حالت تدافعی قرار دارد، حدود ۹۰ درصد از اعتراضات کارگری کشور به دلیل اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه رخ می دهند، تجربه و آگاهی برآمده از اعتصابات و تحصن های پیاپی و متعدد کارگران هفت تپه اما به آن ها این اجازه را داد تا به جلو قدم بردارند و خواست تشکل مستقل کارگری را هم مطرح سازند. این اقدام آن ها حداقل در قدم اول موفقیت آمیز بوده است چرا که حقوق معوقه پرداخت شده اند.

بر خلاف کارگران خاتون آباد؛ کارگران هفت تپه، خبازان سقز، کارگران ایران خودرو و شرکت واحد صدای اعتراض خود را به گوش مردم رساندند. آن ها در اطلاع رسانی مداوم از اعتراضات موفق تر بودند حال آن که مردم تنها پس از به رگبار بسته شدن کارگران خاتون آباد بود که از اعتراضات قبلی آن ها مطلع شدند. کارگران شرکت واحد و نیشکر هفت تپه در جلب حمایت اتحادیه ها و نهاد های کارگری بین المللی موفق بودند. واضح است که برای حکومت سرمایه سرکوب اعتراضی که در خود مانده و از جهان پیرامون منزوی شده باشد به مراتب ساده تر خواهد بود بنابراین در امر خبر رسانی از اعتراضات نباید کوتاهی ورزید. (۱۲) البته هرگز نباید فراموش کرد که حمایت های بین المللی نمی تواند جایگزین مبارزه ی متحدانه در محل کار و زندگی کارگران شود، حمایت های بین المللی و اطلاع رسانی به توده ی مردم حکم پشت جبهه را برای مبارزه ی کارگران دارند. کارگران هفت تپه در محیط کارخانه ی خود محدود نماندند، کارگران شرکت قند کارون به آن ها پیوستند، اینک کارگران هفت تپه تمام کارگران حقوق معوقه، اخراجی و بیکار کارخانه های تولید قند و شکر را فرا می خوانند تا متحدانه مبارزه کنند. حمایت دیگر کارگران نقش مهمی در پیروزی مبارزات کارگران یک واحد تولیدی خواهد داشت. طی روزهای اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه شاهد حمایت کارگران ایران خودرو، کارگران شرکت ملی نفت (اهواز- مسجدسلیمان)، کارگران پالایشگاه آبادان، کارگران و کشاورزان ساکن شوش، کارگران و کارمندان طرح شعبیه شوشتر، کارگران و کارمندان کشت صنعت کارون شوشتر، کارگران سازمان آب و برق خوزستان، کارگران و کارمندان مزارع طرحهای (دهخدا، امیرکبیر، میرزا، سلمان، فارابی، غزالی)، نورد لوله، صنایع فولاد، کارگران نواحی صنعتی اهواز، کارگران نواحی صنعتی شوشتر، کارگران نواحی صنعتی دزفول و اندیمشک، کارگران راه آهن اندیمشک، کارگران شرکت ملی حفاری (اهواز- مسجدسلیمان)، کارگران کاغذ سازی کارون شوشتر، کارگران کارخانه های واحدهای صنعتی طرحهای توسعه نیشکر در خوزستان و... بودیم. این حمایت ها البته به شکل صدور بیانیه اعلام شدند اما مسلما در افزایش روحیه ی مبارزاتی کارگران موثر می افتند. واضح است که حمایت عملی مثلا

به صورت اعتصاب همزمان فشار بیشتری به سرمایه داران و حکومت حامی شان وارد خواهد کرد اما نباید فراموش کرد که تنها به اتکای تشکل های کارگری است که می توان انتظار اعتصاب همزمان در چندین کارخانه را داشت. تشکیل کمیته های حمایت از (همبستگی با) اعتصاب و نیز تشکیل صندوق اعتصاب در دانشگاه ها و محله ها می تواند کارساز باشد.

کارگران هفت تپه به درستی تهدید کردند که در صورت برآورده نشدن خواسته هایشان همسران و اعضای خانواده خود را به تجمعات اعتراضی خواهند آورد. تجربه ی مبارزاتی سال های اخیر کارگران نشان می دهد که شرکت خانواده ها در مبارزه ی کارگران اعتصابی ابزار مفیدی برای موفقیت و عقب راندن کارفرما و دولت است. از این طریق مساله ی اعتصاب کارگران به فضای شهری و محل زندگی کارگران کشیده می شود.

تجربه ی مبارزاتی کارگران هفت تپه نشان داد که کشیدن دیواری میان خواست های صنفی و خواست های سیاسی طبقه ی کارگر چقدر کودکانه و سازشکارانه است. کارگران برای گرفتن بدیهی ترین حقوق صنفی خود (گرفتن حقوق معوقه) مبارزه را شروع کردند ولی در همان اولین قدم دریافتند که با مافیای شکر و تمام نیروهای نظامی و امنیتی پشت سرش در افتاده اند. آن ها در همین آغاز خود را در مقابل تعدیل ساختاری نیرو، خصوصی سازی و اصل ۴۴ که از سیاست های اصلی حکومت اسلامی هستند یافتند. کارگران هفت تپه با مبارزه ی متحدانه و اعلام خواست تشکل مستقل کارگری در برابر کلیت سیاست های ضد کارگری حکومت اسلامی قد علم کردند و به همین راحتی به حساس ترین مسائل سیاسی کشیده شدند. درست به همین دلیل است که حکومت اسلامی با خشونت تمام در برابر اعتراضات کارگران هفت تپه، شرکت واحد و خاتون آباد قد علم می کند، و همین امر به وضوح ضرورت تلاش برای سراسری شدن اعتراضات کارگران را روشن می سازد.

اگرچه در نیشکر هفت تپه طیف وسیعی از کارگران مشغول کار هستند. (کارگران قسمت های مختلف تولید، تعمیرات و مهندسی، انبارها و کارگران کشاورزی مزارع نیشکر، کارمندان اداری، راننده ها و...) اما کارگران نشان دادند که در اتحاد خوبی به سر می برند و این عوامل به پایه ای برای اختلاف آن ها تبدیل نشده. بازگشت به کار کارگران بخش کشاورزی در هماهنگی با کلیت کارگران گوشه ای از این اتحاد بوده است. شیوه ی تولید سرمایه داری یک شیوه ی تولید مستبدانه است که به شکل ساختار سلسله مراتبی کنترل بر کار اجتماعی بروز می کند. تداوم و گسترش جریان تولید و استخراج بیشترین مقدار کار اضافی مستلزم ارتش کاملی از سرکارگران، مدیران و سرپرستان است. وظیفه ی این هرم کار کشیدن از کارگران به نفع سرمایه داران است. معمولاً از طریق امکانات و دستمزدهای بهتری که در اختیار سرکارگران و سرپرستان و... قرار می گیرد تلاش می شود تا از آن ها برای کنترل کارگران استفاده شود، کارگران هفت تپه همچنین باید مراقب بروز چنین اختلافاتی باشند.

### **یک اعتصاب چند برخوردار!**

در واکنش به اعتصاب کارگران هفت تپه گروهی کوشیدند تا سرکوب و نارضایتی کارگران را به بی کفایتی احمدی نژاد نسبت دهند. اما به فرض که بپذیریم تنها عامل ایجاد نارضایتی وجود مافیای واردات شکر باشد، آیا به خاطر نداریم که در تمام مدت هشت ساله ی دولت خاتمی این باند با خیال راحت به کار خود ادامه داد؟ آیا کارگران خاتون آباد را فراموش کرده ایم؟ کارگرانی که برای در اعتراض به بیکاری و عدم پرداخت حقوقشان دست به تظاهرات زده



بودند. آیا فراموش کرده ایم که این کارگران در زمان دولت آقای خاتمی به گلوله بسته شدند. از دیدگاه کارگران مساله روشن است، در زمان خاتمی هم خصوصی سازی با سرعت روز افزون در حال انجام بود، حقوق معوقه وجود داشت. تلاش می شد تا شوراهای اسلامی کار به جای تشکل های مستقل کارگری به عنوان نمایندگان کارگران ایرانی به سازمان جهانی کار تحمیل شوند، حق تشکل مستقل وجود نداشت و... حکومت سرمایه سالار اسلامی از روزهای آغازین حکومتش در جهت سرکوب کارگران اقدام کرد، آن ها با به گلوله بستن کارگران خاتون آباد نشان دادند که چقدر مدافع حقوق به قول خودشان مستضعفان هستند. دسته ای دیگر کوشیدند تا مساله ی کارگران هفت تپه به باند مافیای شکر محدود شود. آیا مشکلات بقیه ی کارگران چیزی جز حقوق معوقه، قراردادهای موقت، خصوصی سازی و... است؟ مساله ی اصلی در ذات شیوه ی تولید سرمایه داری مبتنی بر استخراج بیشترین ارزش اضافی ممکن از کارگران است. این تقسیم کار جهانی است که حکومت اسلامی و اعوان انصارش را به خصوصی سازی و واردات شکر و می دارد. تاکید یک جانبه بر مساله ی واردات شکر (اگرچه خود موضوع اهمیت زیادی دارد) چیزی جز سازشکاری با شیوه ی تولید سرمایه داری و ابقا استثمار کارگران نیست. امروز مشکل کارگران هفت تپه همان مشکل کارگران خاتون آباد، نساجی کردستان، یخچال سازی لرستان، پتروشیمی و... است. شرایط هفت تپه و مبارزات کارگران هفت تپه البته ویژگی های خاص خود را داراست اما این به مفهوم این نیست که عوامل ایجاد نارضایتی را روند مبارزاتی این کارگران تافته ای جدا از بافته ی مسائل دیگر کارگران باشد. همچنین اگرچه نمی توان از مساله ی خطر فساد جنبش کارگری از طریق نفوذ عناصر فرصت طلب و اصلاح طلب لحظه ای چشم پوشی کرد (مساله ای که سرمقاله ی کارگر به آن پرداخته است) اما در این میان باید به تلاش برخی به اصطلاح روشنفکران اشاره کرد که می خواهند با تحت شعاع قرار دادن مبارزات کارگران هفت تپه و اعلام حمایت آمریکا از آن و نیز خطر جنگ و ... تئوری های عقب افتاده و ارتجاعی خود را به خورد جنبش کارگران بدهند. تئوری هایی که یک بار آزمون خود را پس داده اند، نتیجه ی آن ها دنباله روی چپ ها از سرمایه داری به اصطلاح وطنی و عدم حمایت همه جانبه ی آن ها از جنبش کارگری بوده است. بیهوده نیست که یکی از آن ها درباره ی مبارزات کارگران هفت تپه می نویسد: "هر جناح از حکومت گران، چپ ها از هر دسته و گروهی، جبهه ی ملی، سوسیالیست ها و کمونیست ها از هر طیف و جناحی، ناسیونالیست ها، زنان، کارگران، دانشجویان و معلمان و حتا سرمایه داران وطنی! و بالاخره هر کس که در این سرزمین زندگی می کند و یا آن را متعلق به خود می داند و در این کشور ریشه دارد و به آن عشق می ورزد، باید هشیار باشد که اگر اهداف پلید و جنگ طلبانه ی امپریالیسم آمریکا تحقق یابند، سرزمینی به نام ایران وجود نخواهد داشت تا این مردم در هر شکل و قامتی در آن عرض اندام کنند. در آن صورت اصل مبارزه ی طبقاتی از مفهوم تهی می شود" (۱۳) این نویسندگان در واقع سرمایه داران ملی و جناح های حکومت را انذار می دهد و سرانجام راه حلی کاملاً محافظه کارانه و سازشکارانه ارائه می دهد: "پس بر حاکمیت نیز وظیفه و واجب است تا در راستای خواست ها و امیال امپریالیسم آمریکا و دیگر چپاول گران جهانی حرکت نکند و مرتباً بستر و شرایط مقبول آنان را فراهم نکند؛ به آن ها بهانه ندهد تا با دلایل به ظاهر قابل قبول و واقعی مردم را بفریبند و در راستای اضمحلال این کشور موفق شوند." و یا در پیشنهاد دیگر می نویسد: "وحدت ملی برای مبارزه با امپریالیسم، ضرورت نخست مبارزه در شرایط حاضر است که آن تحقق نخواهد یافت" (۱۴) آیا همین سرمایه داران به اصطلاح وطنی و جناح

های حکومت نیستند که عامل بدبختی و فقر کارگران هستند؟ آیا این مسائل جز با این هدف مطرح می شوند که در زمان اوج گیری مبارزات کارگران هفت تپه با ژست روشنفکری و چپ به داد سرمایه داری و حکومت اسلامی حامی اش برسند و با بزرگ کردن خطر آمریکا کارگران را دعوت به عدم پیگیری مطالبات خود کنند؟ آن ها نشان می دهند که از درک زندگی واقعی کارگران ناتوان هستند. زمانی که یک کارگر نیشکر هفت تپه در مصاحبه ی خود می گوید: "من بچه ام که مدرسه رفته تا اومده میگه بابا نامه یی بهم دادند می گه ۶ هزار تومان بده برای خرید کتاب های من، من که دو ماه حقوق نگرفتم شش هزار تومان رو از کجا بدم". او می خواهد صدای اعتراضش را به همه ی مردم دنیا برساند، او می خواهد سرمایه داران و حکومت حامی شان را افشا کند و... و مسلما در فقدان یا ضعف رسانه های مستقل کارگری باید از رسانه های آمریکایی هم استفاده کرد. پیامی که این کارگران از طریق صدای آمریکا به مردم ایران و جهان رساندند به مراتب مترقی تر و مبارزه جویانه تر از پیامی است که این روشنفکران در نشریه های ضد آمریکایی شان انتشار می دهند، تلاش آن ها در محکوم کردن مصاحبه ی کارگران با صدای آمریکا همدستی با حکومتی است که می خواهد با منزوی کردن کارگران سرکوب آن ها را ساده تر کند و...

### چه باید کرد؟

واضح است که مبارزات کارگران هفت تپه به نقطه ی پایانی خود نرسیده است. در واقع نبرد تازه شروع شده است! کارفرما و دولت تمام تلاش خود را برای به شکست کشانیدن آن ها به خرج می دهند، بار دیگر تهدیدها و احضارها شروع شود و در صورت واکنش نامناسب کارگران، نسبت به اخراج و یا بازداشت رهبران و سازماندهنگان اعتصاب اقدام خواهد شد. این برخوردها بلافاصله پس از پایان اعتصاب آغاز شده اند. فریدون نیکوفرد، یکی از رهبران اعتصاب کارگران هفت تپه در روز پنجشنبه (۲۶ مهر) بازداشت، در روز جمعه آزاد، و مجددا در روز شنبه بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شد. کارگران تهدید کردند که در صورت ادامه ی بازداشت فریدون نیکوفرد اعتصاب را مجددا آغاز می کنند. واکنش مناسب کارگران دولت را وادار به عقب نشینی کرد. فریدون نیکوفرد آزاد شد! در شرایط فعلی حمایت بدنه ی کارگران هفت تپه از کارگران فعال یک ضرورت است. دفاع از این فعالان تضمینی است برای همه ی کارگرانی که می ترسند اگر اعتراض کنند و اخراج شوند از آن ها حمایت نمی شود، دفاع از این رهبران تضمین تداوم مبارزات کارگران است. تجربه ی مبارزات چند سال اخیر کارگران نشان می دهد، زمانی که کارفرما قصد اخراج یکی از کارگران فعال را دارد کارگران می توانند پیشنهاد کنند: "اگر قرار است کسی را اخراج کنید باید همه را با هم اخراج کنید" این اقدام به معنی از سر گرفته شدن اعتصاب ها و اعتراضات است. کارفرما و دولت همچنین انواع ترفندها را به کار می بندد تا در میان کارگران اختلاف ایجاد کند. چند روز پیش سندیکای دورغینی اعلام وجود کرد که با واکنش سریع و به موقع کارگران افشا شد. در این کارگران اگرچه به طور کامل به نمایندگان خود اعتماد دارند اما باید اعلام کنند که هیچ مذاکره ای پشت درهای بسته را تحمل نمی کنند و هر مذاکره ای باید در حضور تمام کارگران انجام گیرد. تشکیل مجمع عمومی که کارگران هفت تپه از آن خبر داده اند بهترین وسیله برای مقابله با هر گونه دسیسه ی کارفرما و دولت است. مبارزه تازه شروع شده است! در اولین اقدام کارفرما از تمدید قرار داد کارگران موقت امتناع کرده است. تجربه نشان می دهد که قبل از اعلام ورشکستگی کامل کارخانه، کارفرما با عمده کردن مسئله ی ورشکستگی کارخانه، تلاش می کند تا کارگران دائم را در برخورد با عدم

تمدید قرارداد کارگران موقت به سکوت بکشاند تا از این طریق با تضعیف مقاومت کارگران، در دور بعدی تهاجم آن را در هم شکنند.

یکی از مسائلی که کارگران هفت تپه باید نسبت به آن هوشیار باشند تلاش سرمایه داران برای دامن زدن به مشکلات قومی در میان آن هاست. از طرفی برخی گروه های پان عرب بر طبل دفاع از کارگران عرب در برابر کارگران بختیاری می کوبند و از طرف دیگر برخی چهره ها با استفاده از رسانه های آمریکایی کارگران بختیاری را تحریک می کنند. البته در خوزستان به دلیل تداوم جنبش کارگری و نیز سابقه ی طولانی مدت مبارزات کارگری همبستگی کارگری بیشتر است اما لحظه ای نباید از توطئه هایی که با هدف در هم شکستن مقاومت و اتحاد کارگران انجام می شود چشم پوشی کرد. کارگران هفت تپه در جریان مبارزات روزمره شان امروز درک کرده اند که هم عرب و هم بختیاری، هر دو زیر فشار هستند، هر دو دستمزد کمی دارند، پرداخت حقوق هر دوشان عقب می افتد و در نهایت هر دو از داشتن تشکل مستقل محروم هستند. کارگران به خوبی درک می کنند که منافع کسانی که به اختلافات قومی دامن می زنند با منافع همه ی کارگران (اعم از بختیاری و عرب) در تضاد است.

در شرایط فعلی باید صدای اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه را به گوش دیگر کارگران ایران و جهان برسانیم و تا آن جا که می توانیم به تشکل یابی این کارگران کمک کنیم. به خصوص باید به آموزش هایی که در ارتباط با تشکیل تشکل های کارگری است کمک شود. آن چه که روشن است این است که این کارگران به خوبی می دانند که چه نمی خواهند، آن ها خصوصی سازی و قراردادهای موقت را نمی خواهند، اما ادامه ی تسلط دولت هم نتیجه ی بهتری نخواهد داشت، در این میان کنترل کارگری می تواند یک آلترناتیو مناسب باشد. باید ضمن کمک به آموزش کارگران به آن ها کمک کنیم تا خودشان کنترل تولید را در دست بگیرند. اما در شرایطی که مبارزه ی کارگران هنوز سراسری نشده و توازن نیرو به نفع طبقه ی کارگر به هم نخورده است اعمال کنترل کارگری و تداوم آن در یک کاخانه منفرد دشوار خواهد بود. این خود ضرورت دیگری است برای تلاش در جهت سراسری کردن مبارزات کارگران.

## بهمن ماندگار

### اختصاصی وبلاگ و نشریه ی کارگر

دوشنبه چهاردهم آبان ۱۳۸۶

#### پانویشت ها:

- (۱) ظرفیت اسمی شرکت نیشکر هفت تپه ۱۰۰ هزار تن تولید شکر ۳۳ هزار تن ملاس، ۳۳۰ هزار تن باگاس و یک کارخانه خوارک دام با ظرفیت اسمی ۵۵ هزار تن است که در شهرستان شوش دانیال قرار دارد.
- (۲) از آن جمله می توان به اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در اوایل تیرماه سال ۱۳۶۶ اشاره کرد. علی رغم وجود شرایط جنگی، کارگران در اعتصاب و تحصن يك هفته ای خود برای دریافت حقوق و مزایای ایام تعطیل کارخانه(به خاطر وضعیت جنگی)، برکناری مدیریت و چندین مطالبه و خواست رفاهی دیگر(افزایش دستمزدها، حق اولاد، حق مسکن) به مبارزه برخاستند. کارگران مورد هجوم نیروهای سرکوبگر قرار گرفتند، دهها نفر از کارگران بازداشت و بقیه نیز به زور اسلحه و تهدید به اخراج به سر کار بازگردانده شدند. در این میان انجمن اسلامی کارخانه ی کاغذ سازی پارس با شناسایی کارگران فعال و معترض نقش سرکوبگرانه ی خود را ایفا کرد.
- (۳) شرکت کشت و صنعت نیشکر کارون ۱۰۰ درصد وابسته به بانک کشاورزی، توسعه نیشکر ۸۰ درصد متعلق به دو بانک ملی و

صادرات و کشت و صنعت نیشکر هفت تپه ۱۰۰ درصد دولتی وابسته به وزارت جهاد کشاورزی است.

۴) به عنوان مثال می توان به کار آبیاری های زمین های کشاورزی اشاره کرد. مزارع نیشکر هزاران هکتار زمین را در بر می گیرد و ارتفاع نیشکر در مزارع به دو تا سه متر می رسد. در این مزارع دم کرده و مرطوب، زیر آفتاب سوزان خوزستان، علی رغم شرعی بودن و گرمای طاقت فرسا کارگران آبیاری روزانه هشت تا ده ساعت کار می کنند. در این میان احتمال مارگزیدگی همیشه وجود دارد. علی رغم تن دادن به این کار طاقت فرسا، کارگران آبیاری حتی بعد از ده تا دوازده سال سابقه ی کار، رسمی نیستند. همچنین می توان به کار طاقت فرسای برداشت اشاره کرد. فصل برداشت نیشکر معمولا از مهر ماه شروع می شود. برای برداشت نخست مزرعه را به آتش می کشند تا برگهای نیشکر بسوزد و فقط نی ها باقی بمانند، سپس کار شاق روی آنها با ماشین و با دست فرا می رسد. برای درو از کارگران فصلی و روزمزد استفاده می شود چرا که تنها محروم ترین بخش های طبقه ی کارگر را می توان پذیرش چنین کارهای سختی واداشت.

۵) در یک قلم بنا به اعترافات دانایی فر (مدیر عامل شرکت مادر تخصصی تولید محصولات کشاورزی، دامی و منابع طبیعی): "از محل درآمد سالانه ی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه ۲۴۷ میلیارد ریال برای کمک به شرکت توسعه کشت نیشکر و صنایع جانبی اختصاص یافت"

۶) در بیشتر موارد کارفرما و مقامات حکومتی در استان خوزستان، سعی کرده اند با دادن وعده و وعید، به اعتراض کارگران پایان دهند. در این میان دولت حامی سرمایه هم از ضرب و شتم، دستگیری و بازداشت کارگران فروگذار نکرده است.

۷) هدف اصلی از این کار فروش زمینهای شرکت و کارخانه خوراک دام و ... با نازلترین قیمت ها به اعوان و انصار حکومت اسلامی و به اصطلاح "خصوصی سازی" است. در مقابل کارگران با این راه حل ها (فروش ابزار تولید و زمین) مخالف اند چرا که می دانند این کار به بیکاری همه ی آن ها منجر خواهد شد. در یک نمونه ۸۰۰ هکتار از زمین های کشت و صنعت هفت تپه به بهانه ی واهی پرداختن حقوق معوقه ی کارگران به فروش رسیده است. قرار است علاوه بر کارخانه ی خوراک دام، ۵۰۰۰ هکتار زمین طرح نیشکر هفت تپه به بخش خصوصی فروخته شود. ۳۰۰۰ هکتار از زمین های کشت و صنعت به صورت اجاره به بخش خصوصی واگذار شده، همچنین برداشت نی به پیمانکاران خصوصی محلی واگذار می شود.

۸) پیش از این دانایی فر (مدیر عامل شرکت مادر تخصصی تولید محصولات کشاورزی، دامی و منابع طبیعی) که با دروغگویی اعلام کرده بود تنها حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر از کارگران دست به اعتراض زده اند، در مصاحبه ای با ایرنا از واگذاری نیشکر هفت تپه به بخش خصوصی خبر داده بود. دانایی فر در این مصاحبه اعلام کرده بود که این شرکت آمادگی واگذاری کل فعالیت های اش را در قالب اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ داراست و از این میان شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه تا سال ۸۹ به طور کامل واگذار می شود. همچنین روزنامه ی کیهان، روز پنجشنبه ۱۹ مهر ۸۶، از قول دانایی فر اعلام کرد: "نسبت دادن واردات شکر به تاخیر در پرداخت حقوق کارکنان شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و تجمع تعداد محدودی از کارکنان این شرکت کاملا بی اساس است... علت تاخیر در پرداخت حقوق کارکنان و مشکلات نقدینگی شرکت یاد شده ناشی از مشکلات ساختاری این شرکت در سال های گذشته است" واضح است که زبنه چینی از طریق اشاره به این مشکلات به اصطلاح ساختاری با هدف تعدیل نیروی کار، اخراج ها، و بازنشستگی های زودرس، بازخرید ها و تعطیلی کارخانه انجام می شود. کارگران اخراجی و بیکار نساجی هنوز زمینه چینی های مشابه پیش از ورشکستگی صنعت نساجی، را از باد نبرده اند. دانایی فر همچنین در مصاحبه ی دیگری با خبرگزاری فارس اعلام کرد: "بر اساس پیش بینی در یک مرحله ۲۰۰۰ نفر را بازنشست خواهیم کرد"

۹) همین نقل قول نشان می دهد که کارگران آن قدر آگاهند که دامن زدن به تعصبات مذهبی نمی تواند آن ها را از پیگیری خواست هاشان منصرف کند.

۱۰) چنان که کارگران خوزستان در اعلامیه ی حمایتی شان نوشتند: "دیروز سندیکای واحد، امروز کارگران نیشکر هفت تپه و فردا نوبت ماست."

۱۱) یکی از کارگران نیشکر هفت تپه در مصاحبه با رادیو برابری می گوید: «از طرفی بچه ها و کسانی که می خواستند، عضو شورای کار بشوند، تقاضا کردیم که استعفاء بدهند، ما شورا نمی خواهیم، شورا را قبول نداریم، دنبال سندیکا هستیم و ... بتوانیم سندیکای خود را تصویب کنیم، عضو سندیکای جهانی بشویم که بتوانیم، هر چه سریعتر مشکلات طرح نیشکر هفت تپه را بر آورده کنیم"

۱۲) به خصوص در جریان مبارزات گسترده و طولانی مدت امر خبر رسانی خود محتاج سازماندهی است.

۱۳) نگاه کنید به «گرسنگی» کارگران نیشکر هفت تپه، شادی امپریالیسم آمریکا! / هادی پاکزاد/ فرهنگ توسعه

۱۴) همان